

تئاتر جهان

آخرین نمایشنامه

مجتبی پور محسن

بازی هارولد پینتر در نمایشی از بکت

پاییز و زمستان امسال، رویال کورت نخستین اجرای نمایشی از کریل چرچیل را در سالن اصلی اش و اجرای محدودی از نمایش «آخرین نوار کراپ» را با بازی هارولد پینتر، نمایشنامه‌نویس برنده جایزه نوبل به روی صحنه خواهد برد. نمایش «آقتدر مست که بگویم دوست‌دارم» با همکاری نیویورک پابلیک تیاتر به روی صحنه می رود. رویال کورت و پابلیک تیاتر قبلاً به طور مشترک نمایش دیگری از چرچیل با نام دختران باکلاس و پول خطرناک را به روی صحنه برده بودند. تعداد دیگری از نمایش‌های چرچیل از جمله «یک شماره»، «دوردست»، «قلب آبی» و «این یک صندلی است» اولین بار توسط پابلیک تیاتر به روی صحنه رفته بودند. «آقتدر مست که بگویم دوست‌دارم» با کارگردانی جیمز مک دانالد از چهاردهم نوامبر ۲۲ تا دسامبر روی صحنه خواهد بود. از سوی دیگر هارولد پینتر در اجرای جدیدی از نمایش «آخرین نوار کراپ» به کارگردانی یان ریکسون بازی خواهد کرد. این نمایش تنها سه روز روی صحنه خواهد بود. پینتر قبلاً در نمایش‌هایی از خودش و همچنین فیلم‌های خیاط پاناما و «منسفیلد پارک و موجو» بازی کرده بود. در سالن طبقه بالای جرود تیاتر نیز نمایش «۲/۹۳ ftm» نوشته لوی دیوید به روی صحنه می رود. این نمایش از هشتم سپتامبر در جرود تیاتر به روی صحنه می رود. البته این نمایش یک تور شمال اجرا در شرمن تیاتر کاردیف، ریپابلیکز ددور بیرمنگام و مرکز هنرهای نمایشی لیورپول نیز خواهد داشت.

تبعیدیهای جیمز جویس روی صحنه

تبع‌بعیدی‌ها تنها نمایشنامه باقیمانده از جیمز جویس است که بر اساس رابطه او با لورا بارانکل نوشته شده و تصویری مدرن از ازدواج را ارائه می کند. آخرین بار این نمایش در سال ۱۹۷۰ به کارگردانی



هارولد پینتر در میرید تیاتر و بعد در آلدیچ به روی صحنه رفت. سی و شش سال پس از این اجرا جیمز مک دانالد اجرایی از این نمایش را در نشنال تیاتر به روی صحنه برده است. در نمایش تبعیدیه‌ها، پینتر مک دانالد در نقش ریچارد روان نویسنده درول کیروین در نقش برتا همسر نویسنده و آدریان دابیر در نقش دوست روزنامه نگار شوهر ظاهر می شوند. این نمایش از دوم آگوست در نشنال تیاتر به روی صحنه رفته است. دومینیک کاوندیش منتقد دیلی تلگراف درباره این اجرا نوشته : آخرین کسی که نمایش تبعیدی‌ها را به روی صحنه برده هارولد پینتر بود که در سال ۱۹۷۰ این نمایش را در لندن اجرا کرد. عجیب است که آدم وقتی اجرای جیمز مک دانالد را می‌بیند بیش از جیمز جویس یاد هارولد پینتر می‌افتد. کسانی که نمایش خیانت پینتر را دیده‌اند نیز می‌توانند همان بازی‌ها را به دست آوردن قدرت ببینند. بندیکت نایت انجل از نشریه لندن تایمز هم اجرای اخیر تبعیدی‌ها را اینچنین توصیف می کند: در سال ۲۰۰۶ این نمایش سوالاتی دشوار و مهم را درباره قدرت ذهن و محدودیت تحمل در روابط حیاتی و فراتر از آن پیچیدگی روابط حسی را به پرسش می کشد.

ساخت فیلمی مستند درباره

نمایشنامه‌نویس برنده پولیتزر یک استیج گزارش داد که مستند جدیدی درباره زندگی و کار تونی کوشر، نمایشنامه‌نویس برنده جایزه پولیتزر ساخته خواهد شد. کوشر که اقتباس او از «گهواره مادر» برتولت برشت از ۲۱آگوست به



روی صحنه می‌رود، موضوع فیلم مستند «جدال با فرشته‌ها: تونی کوشر نمایشنامه‌نویس» خواهد بود. این فیلم پاییز امسال در سینماهای آمریکا اکران خواهد شد. این مستند توسط فریدالی‌موک کارگردانی و تهیه شده است. مدیر تولید فیلم «جدال با فرشته‌ها» که محصول اتحادیه فیلم آمریکاست، تری ساندرس است. به نوشته بک استیج مستند فرشته‌ها بخشی از زندگی این نمایشنامه‌نویس را دربرمی‌گیرد که کوشر آن را سخت‌ترین دوره زندگی خود نامیده است. فیلم از اجرای سال ۲۰۰۱ نمایش او با نام «کابل» آغاز می‌شود و تا کار سال ۲۰۰۴ و درباره جان کری و انتخابات ریاست جمهوری ادامه می‌یابد. فیلم به زندگی خصوصی و هنری کوشر می‌پردازد. «آثار تونی کوشر به خاطر عمق روشنفکرانه و طنز دقیق و زمینه‌های سیاسی اش مشهور است. نمایش معروف او «فرشته‌ها در آمریکا» در سال ۱۹۹۳ جایزه پولیتزر بهترین نمایشنامه را برای او بر ارغمان آورد. سال بعد نیز کوشر به خاطر همین نمایش جایزه تونی را تصاحب کرد. کوشر علاوه بر نمایشنامه، فیلمنامه هم می‌نویسد. او سال گذشته فیلمنامه فیلم «مونینخ» ساخته استیون اسپلبرگ را نوشت.

یادداشتی به مناسبت بزرگداشت «خسرو حکیم رابط»

توفان و هجوم

محمد چرم‌شیر

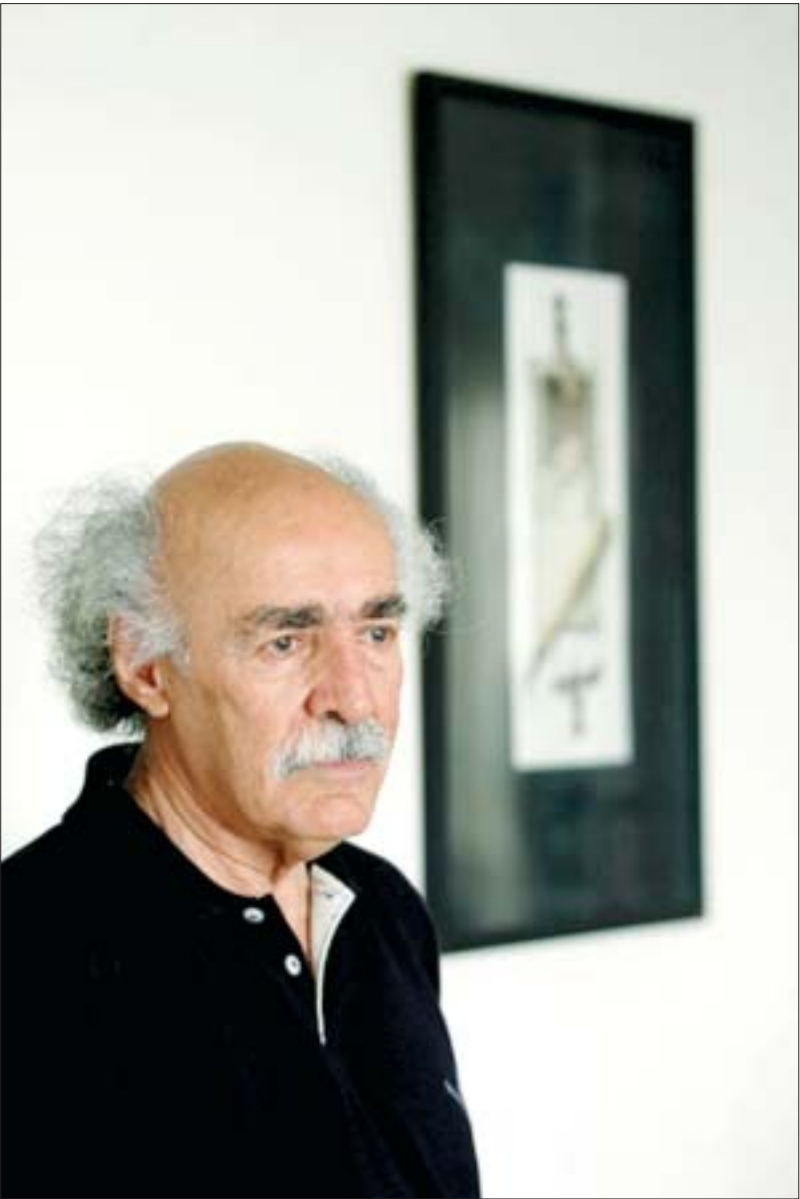
«شیلر» تمام دوران رمانتی سیسم را جریان «توفان و هجوم» نام نهاد. در نگاه او، رمانتی سیسم پیش از آن که جریانی با ساختارهای مدرن باشد، یک ایده بود. ایده تخریب. ایده ویران کردن هر چه پیش‌تر از این بوده است. بهتر که بگویم، ایده نادیده گرفتن و به هیچ شمردن. پنداری که جهان پیش از این نبوده و بعد از این پدید خواهد آمد.

تئاتر رمانتی سیسم آلمان و اسپانیا پیش از آن که طغیانی علیه سبک و روش‌های ماقبل خود باشند، انکار همه اندیشه‌های پیشین و دعوت به نگرستن دیگرگونه به جهان، روابط و ساختارها بودند. رمانتی سیسم نه عناصر ماقبل خود را سره و ناسره کرد تا از بازیافت آنها، ارکان ایدئولوژیک خود را پی ریزی کند، نه به نقد عملکرد، ضعف‌ها و نقصان‌های آن چه پیش از این بود پرداخت. رمانتی سیسم، جهان را بدون حافظه و حاضر در اکتونیت خود نگریست. پس نه به بازخوانی جهان پیرامونی که به نگارش دست اول آن پرداختند.

رمانتیک‌ها قرابت بی‌واسطه‌ای میان خود و جمله آغازین کتاب مقدس احساس می‌کردند: «در آغاز کلمه بود. کلمه نزد خدا بود.» آنها جهان را دوباره از هیچ می‌ساختند، بدون هیچ الگویی. پس آنها نه به گذشته – که گذشته‌ای موجود نبود – بلکه به آینده می‌نگریستند. آینده‌ای که دستاوردهایش نه براساس تجربه گذشته که براساس آزمون‌های اکنون شکل می‌گرفت و بی‌شک آن ایده تخریب در ذات خود، نقطه دو اندیشه را به طور همزمان، پرورش می‌داد. اول: ایمانی بی‌شائبه و بزرگ به ساختن جهانی نو و اعتقادی راسخ به زایش و پرورش جهانی بی‌عیب و نقص و دوم: جهان‌تکوین یافته از خویش، جهان بدون حافظه، جهان بدون گذشته، چاره‌ای جز این ندارد که براساس آزمون و خطا، شالوده‌های خویش را بسازد. در نظام ایدئولوژیک رمانتی سیسم، اندیشه «آزمون و خطا» یک عملکرد راهبردی بود برای برقراری این تفکر «جهان‌آینده جهانی پویا خواهد بود که نه با نقشه‌ای از پیش طراحی شده که براساس اصل حرکت مدام و مستمر است که اندامواره‌خویش را خواهد ساخت. اندیشه «آزمون و خطا»، دو مؤلفه توانام را در برابر اندیشمندان رمانتی سیسم قرار می‌داد. یک آن که دستاوردهای آتی جهان، دستاوردهایی است در اکتونسی جهان؛ دستاوردی که هر دم می‌تواند در آزمونی نوین‌تر، خطایی بزرگ شمرده شود. رمانتی سیسم قطعیّت جهان پیرامون را به یاد استهزا گرفت، انکار ایده تخریب تا انتهای جهان، دست از گریبان جهان نخواهد کشید و دوم آن که اندیشه «آزمون و خطا» دیدن نفس جسارت بود بر کالبد ذهن و رفتار اندیشمندان رمانتی سیسم. ایده تخریب رمانتیک‌ها در ذات اندیشگی خویش، توان آزاد کردن آن پتانسیل نهفته را داشت که اگر می‌توان همه چیز را تجربه کرد، تجربه را آزمود و آن به زیاله‌دان انداخت، رابر عدم قطعیت در جهان می‌توان رودرو شد، پس باید جسارت این تخریب را هم داشت. پس رمانتیک‌ها بی‌پرواترین اندیشمندان جهان شدند. اگر ایمان و اعتقاد به ساختن جهانی بی‌عیب و نقص را خط قرمز آنان بدانیم، در باقی امور، رمانتیک‌ها ساختند و دوباره ویران کردند. «شیلر» بی‌جهت نام «توفان و هجوم» را بر نهضت رمانتی سیسم نگذاشته بود. رمانتیک‌ها زودتر از آن چه که باید دریافتند، جسارت ایده تخریب می‌تواند راه را به آن جا بَرَد که در حوزه‌ها و میدان‌های دیگری نیز می‌توان و باید که وارد شد. پتانسیل گسترش و درنوردیدن عرصه‌های گوناگون در ذات هاش اندیشیدگی رمانتی سیسم موجود بود. رمانتیک‌ها به راستی به خلق جهان و آن هم همه جهان همت گماشته بودند. ذات رمانتی سیسم یک اندیشه بود، اندیشه‌ای که خود را بر همه عرصه‌های زندگی تحمیل می‌کرد. عرصه ادبیات تنها جولانگاه آن نبود، عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و… همه و همه جایگاه ساختند این اندیشه شدند و این همان چیزی بود که هیچ سبک و روشی تا پیش از این قادر به انجام آن نشده بود. حالا با رسوخ این اندیشه به عرصه‌های دیگر، این امکان پدید می‌آمد که با نگاه نوین، تعریف نوین و

گشودیم. اگر ذات رمانتی سیسم ویرانگر بود، ما این ویرانگری را در اندازه‌های پندهای اخلاقی قهرمانان نگاه داشتیم. قهرمانان اسطوره‌هایی شدند که می‌آیند، با ما زندگی می‌کنند، کاری نمی‌کنند و می‌روندو ما هم با خوشحالمی که آنها آمدند با معوم که چرا رفتند.

تئاتر ما از نگاه رمانتیک‌ها، آن چه را که با چنگ و دندان حفظ کرد، به خمین رودرویی قهرمانان و ضد قهرمانان بود. بخشیدن همه چیزهای خوب به این و آوار کردن چیزهای بد به آن و شاید حفظ همین سطح از اندیشه بود که تئاتر ما را زود به آغوش تئاتر ایدئولوژیک متعدهانه انداخت و اگر هم به آن سر نرفت و با عنوان «تئاتر ملی» باقی ماند، همچنان براساس همان فرمول عمل کرد. اما این بار نه در مواضع خشن و شعارزده که در قالب پند و اندرز «خوب، خوب است و بد، بد» و حتی مدرن‌ها و آوانگاردها هم وقتی طغیانگر و دژم به هر دوی این تگرو تاختند، باز طعم مانده همان رمانتیک سطحی در کارهایشان باقی ماند. به گمان من تنها بخش کوچکی از تئاتر ما توانست با حفظ و تداوم همان نگاه رمانتیک به ژرفایی که در ایده تخریب رمانتی سیسم موجود بود، دست یابد و افسوس که همان بخش هم به دلایل مشخص تاریخی و اجتماعی، در میانه راه باقی ماند. بی‌شک باید نمایش‌های «اسماعیل خلیج»، «عباس نعلبدینانه»، «پیژن مفید» و چندتایی دیگر را به عنوان شاخص‌های این بخش کوچک نام برد. این‌ها نه به دام شعارهای بی‌رقم آن رمانتیک سیسم شدند، نه به ایده سیاه و سفید کردن آدم‌هایشان، به اخلاقیات مبتذل نگاه رمانتیک درغلطیدند، آنها با تکیه بر ایده تخریب، همه چیزهای جهان‌پیرامونی خویش را ویران کردند تا به تعریفی دیگرگونه از آن دست یابند. سیاست، معصومیت، فرهنگ و همه چیز از آن جایگاه اسطوره‌ای فرود آورده شدند تا جایگاهی انسانی بیابند، هر چند چهره کریه این زمینی شدن، بر وجدان اندیشه‌های ما اثری ناخوشایند بگذارند و به راستی که غرض هم همین بود. دو دهه طلایی تئاتر ما در همین نگاه اخلاق گرای



شعارزده رمانتیک سطحی گذشت تا ما در آستانه دهه‌های بعد از آن قرار بگیریم. آیا دهه‌های بعد هم به همین منوال گذشت. سخن گفتن از این «آیا» مجال دیگری می‌خواهد.

■ ■ ■

همین جا بگویم که بسیاری از اساتید بزرگوار من، دینی با واسطه به گردن من دارند. من آنها را از طریق کتاب‌ها، گفته‌ها و تجربه‌های عظیم نوشتاری و صحنه‌ای آنها شناختم‌ام، شاگردیشان کرده‌ام و همیشه دست‌بوششان بوده‌ام، اما «خسرو حکیم‌رابط» با آن چشم‌های همیشه مهربان، دینی بی‌واسطه بر گردن من دارد. او در دانشکده هنرهای دراماتیک اولین معلم من بود و حتی بگذارد بگویم که او کسی بود که مرا به عنوان دانشجو آن دانشکده پذیرفت. هنوز پاکتی که مرا به دست خط نازنینش روی آن است با خود دارم. معلم من روی آن پاکت نوشته است: «خام است اما تجربه زندگی دارد.» و حالا بعد از گذشت بیست سال از آن شهریور ماه گرم، نمی‌گویم عزیزترین، اما یکی از مهمترین مایملک اندک زندگی من همین دستخط است. من امروز آن روزهای نازنین را به یاد می‌آورم و دوباره روی آن نیمکت‌ها، در کنار «عباس معروفی»، «صغر عبداللهی»، «عباس شیخ‌بابایی»، «سیدعلی صالحی»، «مریم آخوندی»، «حبیب‌الله لرگی»، «صمد طاهری» و همه آنهایی که نامشان – نه یادشان – از ذهنم رفته است، می‌نشیم تا پیرمرد از راه بیاید و برایمان آن چیزی را روی تخته بنویسد که من برای همه عمر آن را همچون یادگاری محترمی حفظ کرده‌ام و در خفای چهار دیوار اتاق کلاس‌هایم، آن را روی تخته می‌نویسم: «ژنئی سراسیمه به کوچه می‌دود.»من از بیست سال پیش تا باقی‌عزم، زمین ادب را در برابر «خسرو حکیم‌رابط» می‌بوسم و در برابرش زانو بر زمین می‌گذارم و با سر خمیده، شاگردی باقی می‌مانم که بومد، اما حالا آرام‌تر از آن روزها، پرسنی را که بیست سال پیشتر از او نکردم می‌پرسم و پرسشم نه چنگ بر صورت استادم که محصول نگاهی است که آدمی به راه آمده می‌اندازد. «خسرو حکیم‌رابط» خود محصول وضعیت اندیشیدگی در تئاتر ما است. نوشت، نه آن گونه که با نوشته‌هایش راهی دیگر را بر ما بگشاید. نوشت، نه آن گونه که نمایشنامه‌نویسی که بضاعت دوران خود را، و لاجرم دوران‌های بعدتر از خود را، بضاعتی در خود افزایش دهد. جریانی نیافرید. بر جریان تاثیر نگذاشت، اما

و تنها این می‌ماند که بگویم هنوز وقتی می‌شوم در جایی «خسرو حکیم‌رابط»، نمایشنامه‌ای از من خوانده‌ام، دلشوهرای غریب بر جانم می‌افتد و یکسره از خودم می‌پرسم: «آیا استاد از شاگردش راضی هست یا نه؟»

نمی‌دانستی، آقتدر جوان و ناپخته و خوشبین بودی که نمی‌خواستی دلپیش را باور کنی. نمی‌خواستی قبول کنی که در دفتر ثبت احوال شهر نارنج و ترنج، جزء وارثان فرهاد عاشق، آن هنرمند کوهکن شده، فهرست شده‌ای و تیشه تاریخی فرهاد را بر ارث برده‌ای. خسرو حکیم‌رابط در سرزمینی که بخش اعظم نمایشنامه‌نویسانش، لاجرم ساکن بیستون شده‌اند در سرزمینی که بسیاری از نمایشنامه‌نویسانش پنجاه سالگی را تجربه نکرده‌اند، به میراث‌داری تیشه فرهاد انتخاب شد ولی برعکس همه وارثان فرهاد عاشق، آن تیشه تاریخی را بر فقر سر خود فرود نیاورد، اصلاً ساکن بیستون نشد. بر قله بی نیازی‌هایش تکیه زد و آن قله رفیع‌تر از آن بود که چنگک وسوسه‌های کوتاه دستان سفله‌پرور به دامان و دامه‌اش برسد. خسرو تسلیم تیغه تیشه تاریخ هنر ایران نشد، تن به سموم پنهان و عیان نسپرد، عقده مطرح شدن و جایزه گرفتن و صدر نشستن را بر زمین تف کرد و از انزوای تحمیلی‌اش، یک دنیا ساخت، دنیایی وسیع، زیبا و پر از عشق. خسرو حکیم‌رابط هنوز هم عاشق است. اگر پرده خلوت چهره‌اش را پس بزنی، اول لیخنذ زیبا و مهرانش را می‌بینی و سپس برق عشقی عاشقانه را، در عمق چشمان هشیارش کشف می‌کنی.

خبرها

رحماندوست دبیر جشنواره تئاتر کودک



جشنواره سراسری کودک و نوجوان شد.

شورای راهبردی تئاتر

هویت بخشی به سالن‌ها و تئاتر حرفه‌ای از عمده اهداف شورای راهبردی تئاتر است. بهروز غریب‌پور مدیر عامل خانه هنرمندان ایران و عضو شورای راهبردی تئاتر درباره موضوعات مورد بحث در این شورا گفت: «این شورا پیامد جلسات مختلف در دوره‌های متوالی مدیریت‌های تئاتر تشکیل شد که هویت بخشی به سالن‌ها را پراگیری می‌کند. نوع هزینه‌کرد بودجه با عنایت به هنر تئاتر می‌بایست به شکلی سامان داده شود که آن را به هنری مطلوب برساند. علاوه بر آن به اعتقاد من تخصیص سالن‌ها به هنرمندان، باید سامان‌دهی شود به طوری که نباید کاری در سالیی روی صحنه برود که تعداد تماشاگران از تعداد بازیگران کمتر باشد. این نیاز به ارزیابی و بررسی دارد. این‌ها مواردی هستند که در شورای راهبردی تئاتر مورد توجه قرار خواهند گرفت. «وی ادامه داد: «به نظر من تمام انرژی شورا بر این گذاشته شده که به تئاتر تهران هویت حرفه‌ای بدهد. یک تئاتر دانشجویی فوق‌العاده خوب هم در هیچ جای دنیا به سالن اصلی تئاترشهر نمی‌آید، همان‌طور که در یک سالن کوچک نیز کارهای فوق‌العاده‌ای اجرا می‌شوند. برنامه‌ریزی در این زمینه مخاطب را نسبت به سالن‌ها و اجراها آگاه می‌سازد.»

پذیرفته‌شدگان جشنواره عروسیکی

نمایش‌های شرکت‌کننده در یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسیکی تهران-مبارک معرفی شدند.

به گزارش روابط عمومی یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسیکی تهران-مبارک ۳۰ اثر اعلام شده در بخش صحنه‌ای، خیمه‌شب‌بازی و خیابانی به شرح زیر است: الف- آثار صحنه‌ای: مثل‌های عروسیکی فرناز بهزادی تهران، حامد زحمتکش، مهدی فرشیدی،سپهر تهران، ماهی‌گیر فاطمه سوزنگر تهران، سندباد بحری وحید شاکری تهران، ساز شب سوسن مقصودلو تهران، انتظار در کافه پارکر حسین زینالی، مرقضی سعیدیان تهران، وقتی نخودی غول می‌شود افسانه زمانی تهران، ماه‌چون‌پر می‌بارد مریم معینی تهران، عکبورت پروانه‌ای افشین قاسمی تهران، هفتاد و نهم صیانی تهران، لباس فرری مهدیه اخوان‌نیک تهران، تحویل دل زهرا صبری تهران، عاشق شدن به فصل سرما محمدتقی اسماعیلی تهران، اسب آبتوس محمدحسن نجفی تنکابن، هدیه مرموز یاسر خاسب ساری، دیو و کچلک سعید باغبانی همدان.

علی رفیعی در خانه تئاتر

علی رفیعی در نشست مطبوعاتی انجمن کارگردانان خانه تئاتر که با حضور کورش نریمانی و نادر بهزانی‌مرند برگزار شد گفت: «یکی از مهمترین ویژگی‌های خلاقت هنری، قاصدگی اثر هنری و بی‌دفاع بودن آن است. هنرمند خلاق اثری اثری است که در تمام طول مسیرش باید از روی نخ‌ی نازک عبور کند و همراه این شکنندگی جلو برود که طی مسیر با کارشکنی‌ها و حسادت‌ها نیز مواجه می‌شود. «رفیعی با اشاره به حضورش در گروه تئاتر آزین منوشکین گفت: «زمانی که آراین منوشکین آثار بی‌نظیر خود را روی صحنه برد، یکی از وزرای فرهنگ آن زمان، سه انبار پوکه فشنگ‌های زمان ناپلئون را در اختیار او گذاشت و ما که شاگردان او بودیم با قفون و بیل و کلنگ به معنای واقعی عملگمی کردیم. وقتی اولین اثرش را در آن جا روی صحنه برد، یک زناسل شکل گرفت. بنابراین ممکن است ما با فقر و فقدان حمایت دولت که وظیفه مطلق آن است کنار بیاییم، ولی مهم زمانی است که دولتمردان و فرهنگ‌مداران ما بپذیرند که تئاتر یک ضرورت فرهنگی است. اکنون در تهران هر شب بیش از ۱۵۰۰ تن به تماشای تئاتر می‌نشینند و این در شهری ۱۵ میلیونی اتفاق می‌افتد که یک درصد این جمعیت نیز محسوب نمی‌شود، بنابراین برای هر ۲۵۰ هزار تن یک سالن تئاتر نیاز است.»

تمرینات «مرگ و شاعر»



کیسومرث‌میرادی تمرینات نمایش «مرگ و شاعر» را از نیمه شبهریورماه‌براساس نمایشنامه‌ای از نغمه شمیمی آغاز می‌کند. میرادی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر در این باره گفت: «مستولان اداره کل هنرهای نمایشی به من گفته‌اند که می‌توانم آخر آبان‌ماه این نمایش را در تالار قشقایی روی صحنه ببرم. بنابراین تمرینات را از شهریور شروع خواهیم کرد.» وی افزود: «نام قبلی نمایش را به «شاعر و مرگ» تغییر دادیم، چون فکر می‌کنیم نام مناسب‌تری برای آن باشد. تاکنون تنها بازی پاتنه آپه‌رام در این اجرا قطعی شده و مشغول مذاکره برای انتخاب دیگر بازیگران نمایش هستیم. دو بازیگر مرد و یک بازیگر زن که سن پائینی داشته باشند نیز در نمایش حضور دارند.» شمینی متن نمایشنامه «شاعر و مرگ» را نوشته و پیام فروتن طراحی صحنه آن را بر عهده دارد که نرمین نظمی به عنوان مشاور او را همراهی می‌کند. رکسانا بهرام نیز به عنوان دستیار کارگردان در کنار دیگر اعضای گروه تئاتر تجربه حضور دارد.